

بررسی مؤلفه‌های حقوق شهروندی در آثار نویسندگان زن معاصر (موردکاوی: رمان سووشون اثر سیمین دانشور)

فتانه سمسار خیابانیان^{*}، نازلی صدرواحدی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سال نوزدهم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۵، صص ۲۶۱-۲۷۸

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8339>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: با گسترش رویکردهای میان‌رشته‌ای در مطالعات ادبی و علوم اجتماعی، بررسی بازتاب مفاهیم حقوق شهروندی در متون ادبی به یکی از حوزه‌های مهم پژوهش تبدیل شده است. رمان سووشون بدلیل بازنمایی مناسبات قدرت، سلطه، استعمار، نابرابریهای اجتماعی و جایگاه زنان، بستری مناسب برای تحلیل مؤلفه‌های حقوق شهروندی فراهم می‌آورد. ازاین‌رو، پژوهش حاضر با هدف واکاوی ابعاد مختلف حقوق شهروندی و شیوه بازنمایی آن در این رمان انجام شده است.

روش مطالعه: این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و روش سندکاوی انجام شده است. داده‌های پژوهش از متن رمان سووشون استخراج و بر اساس مؤلفه‌های حقوق شهروندی شامل حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رمان سووشون طیف گسترده‌ای از مؤلفه‌های حقوق شهروندی، از جمله حق حیات، کرامت انسانی، آزادی اندیشه و بیان، امنیت، مالکیت، حریم خصوصی، آموزش، اشتغال، بهداشت، رفاه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حق نقد قدرت سیاسی را در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی رمان بازنمایی میکند و تصویری روشن از موانع ساختاری تحقق این حقوق، بویژه برای زنان را ارائه می‌دهد و تأثیر استعمار و نابرابریهای اجتماعی را بر محدود شدن حقوق شهروندی آشکار می‌سازد.

نتایج پژوهش: نتایج پژوهش حاکی از آن است که در رمان سووشون با اتخاذ رویکردی انتقادی، حقوق شهروندی فراتر از حقوق فردی و در پیوند با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه تبیین شده است. این اثر ضمن نقد سازوکارهای تبعیض، بر ضرورت صیانت از کرامت انسانی، عدالت اجتماعی، مشارکت مدنی و نقش زنان در فرایند تحقق حقوق شهروندی تأکید دارد و از این منظر، یکی از شاخص‌ترین رمانهای معاصر فارسی در بازنمایی گفتمان حقوق شهروندی بشمار میرود.

تاریخ دریافت: ۱۱ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ داوری: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ اصلاح: ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۰ تیر ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

حقوق شهروندی، سووشون، سیمین دانشور، ادبیات داستانی معاصر.

* نویسنده مسئول:

✉ fa_khiabani@iaua.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

An Examination of the Components of Citizenship Rights in the Works of Contemporary Iranian Women Writers(A Case Study of Savushun by Simin Daneshvar)

F. Semsar Khiabani^{*}, Nazli Sadravahedi

Department of Persian Language and Literature, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 31 March 2026

Reviewed: 04 May 2026

Revised: 19 May 2026

Accepted: 01 July 2026

KEYWORDS

Citizenship Rights; Savushun; Simin Daneshvar; Contemporary Persian Fiction.

*Corresponding Author

✉ fa_khiabani@iaui.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: With the expansion of interdisciplinary approaches in literary and social studies, the examination of the representation of citizenship rights in literary texts has become a significant field of research. Owing to its portrayal of power relations, domination, colonialism, social inequality, and the status of women, Savushun provides a valuable context for analyzing the components of citizenship rights. Accordingly, the present study aims to investigate the various dimensions of citizenship rights and the ways in which they are represented in this novel.

METHODOLOGY: This study adopts a descriptive-analytical approach based on library research and documentary analysis. The research data were extracted from the text of Savushun and analyzed according to the principal dimensions of citizenship rights, including civil, political, social, and cultural rights.

FINDINGS: The findings indicate that Savushun represents a wide range of citizenship rights, including the right to life, human dignity, freedom of thought and expression, security, property rights, privacy, education, employment, healthcare, social welfare, social participation, and the right to criticize political authority, all within the novel's socio-political context. Furthermore, the novel offers a vivid depiction of the structural barriers to the realization of these rights, particularly for women, while revealing the impact of colonialism and social inequalities on the restriction of citizenship rights.

CONCLUSION: The findings demonstrate that Savushun adopts a critical perspective in which citizenship rights are conceived not merely as individual entitlements but as rights intrinsically connected to the social, political, and cultural structures of society. By critiquing mechanisms of discrimination, the novel emphasizes the protection of human dignity, social justice, civic participation, and the role of women in the realization of citizenship rights. From this perspective, Savushun can be regarded as one of the most significant works of contemporary Persian fiction in representing the discourse of citizenship rights.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8339>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 20	 0	 0

مقدمه

حقوق شهروندی یکی از پویاترین مفاهیم اجتماعی و فرهنگی در دنیای معاصر است که به شهروندان این امکان را می‌دهد که در جامعه زندگی بهتری داشته باشند و از ارزشها و کرامت انسانی و عدالت در جامعه برخوردار گردند. انسانها در هر جامعه‌ای که زندگی کنند بعنوان شهروندان آن جامعه از حقوقی برخوردار هستند که رعایت آن توسط دستگاههای حکومتی، اجرایی و هموعان از مهمترین و اجتناب ناپذیرترین لوازم و ارکان یک همزیستی مسالمت‌آمیز در آن جامعه بشمار می‌آید. در تعریف حقوق شهروندی آمده است: «حقوق شهروندی و مدنی یکی از مهمترین حقوق انسانی بشمار میرود که به چگونگی روابط مردم، حکومت، دولت و نهادهای حکومتی و حقوق آنان نسبت به یکدیگر می‌پردازد. واژه شهروند بعنوان مفهومی نوپا در جوامع حقوقی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای مختلف اغلب به اهل شهر یا یک کشور اطلاق میشود. این معنا در فرهنگنامه‌های زبان فارسی وجود دارد؛ از یک نظرگاه کلی، شهروند به کسی اطلاق میشود که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است» (اکبری، ۱۳۹۵: ص ۸۴ و کامیار، ۱۳۸۲: صص ۱۷ - ۱۸). در هر جامعه، ادبیات داستانی عرصه‌ای برای بازنمایی مسائل بنیادین اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن جامعه بشمار می‌آید و رمان بعنوان یکی از مهمترین گونه‌های ادبی، با روایت تجربه‌های فردی و جمعی، مناسبات قدرت، نابرابریهای اجتماعی، محدودیتهای فرهنگی و شیوه‌های کنش انسان در برابر ساختارهای مسلط را آشکار می‌سازد؛ از این رو، بسیاری از مفاهیمی که امروزه در چارچوب حقوق شهروندی مطرح میشوند، پیش از ورود به گفتمانهای حقوقی و سیاسی، در آثار ادبی میتوانند بازتاب یافته و از خلال شخصیتها، رخدادها و روابط اجتماعی بتصویر کشیده شوند. در میان نویسندگان معاصر، سیمین دانشور با خلق رمان سووشون توانسته است تصویری چندلایه از جامعه ایران در یکی از حساسترین برهه‌های تاریخی ارائه دهد. این اثر، ضمن روایت زندگی شخصیتهای داستان از ابعاد مختلف، به بازنمایی موضوعاتی چون کرامت انسانی، عدالت، آزادی، مسئولیت اجتماعی، مشارکت مدنی، هویت فردی و جمعی، تبعیض، نابرابری و جایگاه زنان در جامعه می‌پردازد. شخصیتهای این رمان در مواجهه با سلطه، بیعدالتی، محدودیتهای اجتماعی و تعارض میان خواست فردی و اقتضائات جامعه‌ای که حوادث داستان در آن رخ میدهد، زمینه مناسبی برای تحلیل چگونگی تحقق یا نقض حقوق شهروندی فراهم میکنند، بویژه شخصیت زری و یوسف، بعنوان محور اصلی روایت، نمایانگر مسیری تدریجی از آگاهی، مسئولیت‌پذیری و کنش اجتماعی هستند؛ مسیری که میتواند از منظر حقوق شهروندی واجد دلالت‌های مهمی باشد. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی است که مؤلفه‌های حقوق شهروندی در رمان سووشون چگونه بازنمایی شده‌اند و سیمین دانشور از طریق شخصیتها، حوادث و ساختار روایی اثر، چه تصویری از حقوق، آزادیها، عدالت، کرامت انسانی و مشارکت اجتماعی شهروندان ارائه میدهد؟ همچنین این پرسش مطرح است که کدام مؤلفه‌های حقوق شهروندی در این رمان برجستگی بیشتری دارند؟

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

با وجود پژوهشهای فراوان درباره ابعاد تاریخی، سیاسی، جامعه‌شناختی و زن‌محور در رمان سووشون، بررسی این اثر از منظر حقوق شهروندی و تحلیل نظام‌مند مؤلفه‌های این حوزه همچنان با کاستیهایی روبه‌رو است. از این رو، واکاوی رمان سووشون بر پایه مؤلفه‌های حقوق شهروندی میتواند زوایای تازه‌ای از اندیشه اجتماعی سیمین دانشور را آشکار می‌سازد و نشان دهد که نویسنده چگونه از ظرفیت ادبیات برای طرح حقوق و مطالبات شهروندان بهره گرفته است. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که میتواند ضمن گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای ادبیات

و حقوق، زمینه شناخت عمیق‌تر کارکرد اجتماعی ادبیات داستانی را فراهم آورد و نشان دهد که رمان مذکور علاوه بر ارزشهای ادبی، اثری تأثیرگذار در بازنمایی و ترویج ارزشهای شهروندی و آگاهی اجتماعی بشمار می‌آید.

پیشینه تحقیق

بررسی منابع و پژوهشهای پیشین نشان میدهد که تاکنون پژوهش مستقلی با موضوع بررسی حقوق شهروندی در رمان سووشون انجام نشده است. از این رو، مقاله حاضر از حیث پرداخت مستقیم به مؤلفه‌های حقوق شهروندی در این رمان، دارای جنبه نوآوری است. با این حال، مطالعاتی در حوزه مبانی نظری حقوق شهروندی، حقوق زنان و تحلیل اجتماعی آثار ادبی انجام شده‌اند که از نظر چارچوب نظری و مفهومی با موضوع پژوهش حاضر ارتباط دارند و میتوانند بعنوان پیشینه تحقیق معرفی شوند. مهمترین این پژوهشها عبارت‌اند از:

بهروز مرادی و الهام سلیمانی بابادی (۱۴۰۴) در کتاب «حقوق شهروندی و آسیبهای اجتماعی» ضمن ارائه تعاریف جامع از حقوق شهروندی از منظر بین‌المللی و جهانی، تبعات اجتماعی بی‌توجهی به این مسأله را از منظر آسیبهای اجتماعی بررسی کرده‌اند. این کتاب اثر برجسته‌ای است که درخصوص حقوق و مسائل اجتماعی نگاشته شده و به بررسی ارتباط عمیق میان حقوق شهروندی و چالشهای اجتماعی می‌پردازد.

محسن محمدی و روح‌الله بوربور (۱۴۰۲) در کتاب «بررسی حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران» ضمن توجه به ماهیت شهروندی به مؤلفه‌های شهروندی و ویژگیهای حقوق شهروندی بر اساس فقه اسلامی، عدالت، امنیت، کرامت و حفظ اعتدال در جامعه توجه نموده‌اند. نویسندگان در این کتاب به تحلیل مبانی نظری قانونی حقوق شهروندی در چارچوب قانون اساسی و قوانین عادی ایران پرداخته‌اند.

عماد افروغ در کتاب (۱۳۹۶) «حقوق شهروندی و عدالت» به تعریفی دقیق از حقوق فرد در جامعه و موانع شکل‌گیری جوامع مدنی در راستای توجه به حقوق شهروندان توجه نموده است. نویسنده در این کتاب به چستی حقوق شهروندی، مؤلفه‌ها، ابعاد، ملزومات فلسفی و فلسفه اجتماعی آن و چالشهای حقوق شهروندی در ایران و تهدیدها و سیاستهای مرتبط با آن پرداخته است.

حمیدرضا اکبری (۱۳۹۵) در کتاب «نگاهی به حقوق شهروندی» ضمن تبیین مبانی حقوق شهروندی این مسأله را در قوانین اسلامی و بخشنامه‌های قوه قضاییه در ایران تحلیل نموده است. این کتاب بر اساس موازین اسلامی و دینی نوشته شده و نویسنده این کتاب را با بهره‌برداری از کتابهایی همچون کتب شهید مرتضی مطهری و شهید ثانی و... در بخشهایی چون مبانی حقوق شهروندی، تبیین حقوق شهروندی در اسلام و ویژگیهای حقوق شهروندی از نگاه حضرت علی (ع) و امام راحل (ره)، کرامت انسانی در حقوق شهروندی و اسلام و عدالت تدوین نموده است. اکبر بشیری (۱۳۹۳) در کتاب «تحلیل جامعه‌شناختی رمان سووشون» پس از بحث و بررسی پیرامون ارتباط ادبیات و علم جامعه‌شناسی به بحث محوری ادبیات زنانه یا زنانه‌نگری نویسنده در ارتباط با جامعه پرداخته است. این کتاب پژوهشی با موضوع اصلی نقد و بررسی رمان سووشون از دیدگاه جامعه‌شناختی است.

حمیده آراسته و دیگران (۱۴۰۳) در مقاله «واکاوی رویکرد جامعه‌شناختی لوسین گلدمن و روانشناسی شخصیت آدلر در رمان سووشون سیمین دانشور» از منظر نقد روانکاوی نوین به تحلیل این رمان پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که نویسنده با مهمترین دغدغه‌های جامعه سر و کار دارد و در دیدگاهی کلان به بیان نقطه نظرانی منبعث از طبقه اجتماعی خود پرداخته است.

مریم محمودی و فائزه اشرفیان (۱۳۹۸) در مقاله «نقد و تحلیل مضامین اجتماعی رمان سووشون» نشان داده‌اند که احساس شکست، انزوا طلبی و گوشه‌گیری در این رمان نمود قابل توجهی دارد و حاصل رنج و مصائبی است

که جامعه گرفتار آن شده است و نتیجه گرفته‌اند که نویسنده با تیزبینی و درایتی متعهدانه تلاش کرده بخشی از حقایق تلخ اجتماعی را ترسیم نماید.

زینت مشایخ سنگ تجن و فاطمه حیدری (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل هویت و جایگاه زن در سووشون سیمین دانشور و پرنده من فریا وفی» اندیشه‌های زن ستیزانه و استعمارکننده زن، هویت باختگی و محدودیت‌های فردی و اجتماعی زنان را در این دو اثر تحلیل کرده‌اند.

بحث و بررسی

در این بخش، پس از تبیین مبانی نظری پژوهش و معرفی اجمالی رمان سووشون، داده‌های پژوهش بر پایه مؤلفه‌های حقوق شهروندی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بدین منظور، با استناد به شواهد و رویدادهای متن رمان، چگونگی بازنمایی حقوق شهروندی و مهمترین مصادیق رعایت یا نقض آن، از جمله کرامت انسانی، حق حیات، آزادی بیان، امنیت، دادخواهی، مشارکت اجتماعی، برابری، و حق برخورداری از زندگی شایسته بررسی و تفسیر می‌شود تا دیدگاه سیمین دانشور نسبت به جایگاه حقوق شهروندی و نقش آن در شکلگیری کنشهای فردی و اجتماعی شخصیتها تبیین گردد.

مفهوم شناسی واژه شهروند و حقوق شهروندی

واژه شهروند «لفظی نسبتاً جدید است که قدمت آن به ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال اخیر بازمی‌گردد. این واژه ملهم از حقوق یونان باستان است که در مورد افراد ساکن یونان بکار میرفته است» (حسینی کازرونی و فتاحی، ۱۳۹۴: ص ۷۹۸). در لغتنامه دهخدا این کلمه به اهل یک شهر یا یک کشور تعریف شده؛ پسوند "وند" موجود در این واژه در گذشته بند بوده و در واقع این واژه شهربند بود بمعنای کسی که به شهر بند است و در اثر گذر زمان این بند تبدیل به وند گردیده است و علاوه بر این گفته شده «ی» موجود در شهروندی یعنی هر چیز مربوط به شهروند مانند حقوق شهروند و وظایف شهروند و... (ر.ک دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه و رضایی‌پور، ۱۳۸۵: ص ۱۹). بلحاظ اصطلاحی، شهروند مفهومی است که در چند سال اخیر به کسانی که در شهر ساکن شده‌اند، اطلاق شده است. «مفهوم شهروندی، همانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی، ریشه در یونان باستان دارد. اثر ارسطو منعکس‌کننده اولین کوشش نظام‌مند در شکل گرفتن مفهوم شهروندی بشمار می‌آید. این درحالی است که اولین تجلی آن در قرون ۴ و ۵ پیش از میلاد در شهرهای یونان باستان بویژه آتن و اسپارت دیده می‌شود» (فالكس، ۱۳۸۱: ص ۲۵ و کاظم‌پور، ۱۳۹۶: ص ۱۲۰). پیشینه مفهوم شهروندی به دولت‌شهرهای یونان باستان بازمی‌گردد و متفکرانی مانند ماکس وبر^۱ بر این باورند که چنین مفهومی در تمدنهای دیگر نظیر چین، هند و خاورمیانه غایب بوده است (Marshal, 2015: p45). در این تعبیر از شهروندی، دوگانگی‌هایی همچون دولت و جامعه، حوزه عمومی و خصوصی کاربرد نداشت. عبارت دیگر، شهروندی و دولت‌شهر یکسان بودند و تعهدات شهروندی در همه جنبه‌های زندگی جاری و ساری بود (ر.ک فالكس، ۱۳۸۱: صص ۲۷ - ۲۹). در گذشته «شهروند بودن بر پایه جنسیت و موقعیت اجتماعی تعریف میشد و افراد زیادی را در بر نمی‌گرفت و زنان و بردگان و کودکان از آن محروم بودند. شهروندان باید خودشان را وقف خدمت به شهر میکردند و حوزه تخصصی مفهوم خاصی نداشت و شهر و حفظ آن اولویت اصلی مردم و حکام بود. در دوران روم باستان بدلیل گسترده‌گی قلمرو و ایجاد نظم و کنترل اجتماعی اعطای شهروندی نوعی استراتژی برای کنترل اتباع بوده است و شهروندی سیاسی نبوده و صرفاً موقعیتی قانونی بوده است. در قرون وسطی نیز موقعیت شهروندی تغییر چندانی نکرد و بر پایه ثروت و جنسیت تعریف میشد»

^۱ max. E.Weber

(کاظم‌پور، ۱۳۹۶: ص ۱۲۹). در دنیای جدید مفهوم شهروندی را میتوان در مجموع شامل مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد و فرهنگ آن در هم آمیخته است و بشدت از نحوه نگاه معطوف به استعداد انسان بلوغ یافته، تواناییهای وی و چگونگی شرکت دادن و سهمیم کردن او در وضعیت و سرنوشت حیات فردی - اجتماعی متأثر است.

در تعریف حقوق شهروندی آمده است: «حقوق شهروندی دقیق ترجمه واژه citizenship rights و عنصر ذاتی آن تابعیت است و در بستر ملی معنا می‌یابد و عمدتاً شامل حقوقی مانند حق تعیین سرنوشت حق آزادی بیان و ... میشود» (قربان‌زاده و شاکری، ۱۳۹۴: ص ۱۳). «حقوق شهروندی مجموعه‌ای از امتیازات است که فرد ساکن در اجتماع بواسطه انجام تکالیف خود در قبال -جامعه و سایر شهروندان مستحق داشتن آن است و هیچکس جز قانون نمیتواند او را از داشتن آنها منع کند. حقوق اجزای مختلف جامعه اعم از حکومت، سازمانها و افراد بر مبنای آن مشخص و تعریف میشود در حقیقت میتوان گفت که حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیتهای شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت است و نیز حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری دولت و یا بصورت کلی قوای حاکم است. این حقوق شامل موارد زیر است: ۱- حقوق مدنی: حقی است که موجب آزادی در بُعد مدنی مانند عقود و قراردادهای و تملیک و تملك اموال و آزادی بیان و اندیشه و آزادیهای گروهی میباشد؛ مانند آزادی مالکیت و آزادی بیان و عقیده؛ ۲- حقوق سیاسی: حقوقی که به مردم حق میدهد که در ایجاد احزاب سیاسی و تصمیمات کشور مشارکت کنند؛ ۳- حقوق اجتماعی: حقوقی است که در راستای فراهم آوردن تعادل در زندگی مردم، امکانات رفاهی و حمایتی را به خانواده‌ها و افراد در جهت حمایت از آنها میدهد؛ ۴- حق بهره‌وری: این حق یعنی استفاده بهینه از وقت و سود ایجاد شده از عمر، اندیشه، سرمایه، استعدادهای افراد در موقعیت خاص و استفاده از همه منابع امکانات ظرفیتهای و فرصتها. این حقوق مطابق یک تقسیم بندی دیگر به دو دسته تقسیم میشود: الف) حقوق مادی همچون حق زندگی، حق امنیت، حق رفت و آمد، حق مسکن، حق مصونیت مکاتبات، مکالمات و مخابرات، حق دفاع، حق تابعیت، حق انتخاب شغل، حق امنیت اجتماعی و حق مالکیت شخصی. ب) حقوق معنوی: همچون حق آزادی اندیشه، حق آزادی بیان، حق آزادی آموزش و پرورش، حق برابری و عدم تبعیض. عبارت دیگر مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض، برای فراهم‌سازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان در نظام حقوقی هر کشور تعلق میگیرد، حقوق شهروندی میگویند» (سمسار خیابانیان و صدرواحدی، ۱۴۰۴: صص ۳۳-۳۴).

مارشال حقوق شهروندی را دربرگیرنده سه نوع حق میداند: «حق مدنی، حق سیاسی و حق اجتماعی. حقوق شهروندی مدنی که ناظر به برخورداری از حمایت قانونی است، شامل آزادی شخصی، آزادی بیان، اندیشه، عقیده، حق مالکیت شخصی و حق برخورداری بودن از عدالت میباشد. حقوق سیاسی که در برگیرنده حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی بعنوان یکی از اعضای نهاد برخورداری از اقتدار سیاسی و یا بعنوان یکی از انتخاب‌کنندگان اعضای چنین نهادی است و در نهایت حق برخورداری از استانداردهای اولیه زندگی، مراد از حقوق اجتماعی عبارت است از طیف وسیعی از حقوق که حق برخورداری از حداقلی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق برخورداری کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی بعنوان یک موجود متمدن طبق معیارهای حاکم بر یک جامعه را دربرمیگیرد» (Marshall, 1992: p8).

درباره رمان سووشون

رمان سووشون اثر سیمین دانشور (۱۳۰۰ - ۱۳۹۰) از آثار برجسته معاصر ایران است که با انعکاس واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه جایگاه ویژه‌ای در ادبیات داستانی ایران یافته است. «سیمین دانشور اولین زن ایرانی در دوران معاصر است که بطور حرفه‌ای در زبان فارسی داستان نوشت و بعد از آن، رمان‌های جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان را منتشر ساخت» (دوستی و دیگران، ۱۴۰۲: ص ۱۳۱). رمان سووشون که نخستین بار در سال ۱۳۴۸ منتشر شد، از لحاظ فن داستان‌نویسی، شخصیت‌پردازی و پرورش درونمایه جایگاه برجسته‌ای دارد. «این اثر علاوه بر ویژگی‌های زبانی که آن را از آثار مشابه زمان خود متمایز میکند، اثری دغدغه‌مند و بازتاب‌دهنده مفاهیم مهم سیاسی و اجتماعی بشمار میرود» (نبی‌لو و هوشنگی‌شایان، ۱۴۰۴: ص ۵۲). این رمان به زندگی زوج جوانی به نام زری و یوسف در خلال جنگ جهانی دوم و نفوذ انگلیسی‌ها در جنوب ایران می‌پردازد. یوسف مالکی تحصیل کرده و مخالف استعمار است و با مالکانی که به کمک دولت و قانون خون رعایا را می‌مکند و به بهای فقر روستا زندگی آسوده‌ای برای خود فراهم می‌آورند، تفاوت دارد. او از فروش غلات حاصل از اموال خود به نیروهای انگلیسی که جنوب ایران را اشغال کرده‌اند، خودداری میکند و سرانجام در این نبرد از پا در می‌آید. زری همسر یوسف نیز زنی تحصیل کرده با آرمان‌های بلند اجتماعی است؛ اما با فعالیت‌های همسرش موافق نیست و همواره مبارزات یوسف او را در هول و هراس قرار میدهد و میداند سرانجام یوسف در این راه کشته خواهد شد. او میکوشد همسرش را به اعتدال و مدارا ترغیب کند؛ اما سیر رویدادها در جهت مخالفت خواست و امید او در حرکت است.

تحلیل داده‌ها

در این بخش پس از بیان مقدمات لازم، مؤلفه‌های حقوق شهروندی در رمان سووشون بر اساس چارچوب نظری پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند و با تکیه بر شواهد و نمونه‌های متن رمان، به تبیین چگونگی بازنمایی هر یک از مؤلفه‌های حقوق شهروندی در ساختار روایت داستان اثر می‌پردازیم تا ابعاد مختلف این مفهوم در جهان داستانی سیمین دانشور واکاوی شود.

آزادی بیان

اصل آزادی بیان «بمعنای آزادی اظهار اندیشه، عقیده، افکار و سلیقه است. اینگونه آزادی حقوقی به فرد اعطا مینماید تا بوسیله سخن یا از طریق مطبوعات، کتب و آثار، کنفرانس، پژوهش و تحقیق و... اندیشه و عقاید خود را برای همه مردم بازگو نماید. آزادی بیان حقوق انسان را در زمینه بروز دادن عقاید و اندیشه بدون هراس از تعقیب و مجازات و بازداشت تضمین میکند» (فلاح‌پور، ۱۴۰۲: ص ۵۲). در قسمتی از رمان سووشون، زمانی که زری به عقدکنان دختر حاکم میرود، تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و قدرت حاکم، برخلاف میل باطنی گوشواره‌های زمرد را که یادگاری مادر یوسف است به دختر حاکم میدهد با اینکه میداند آنها را به او پس نخواهند داد: «گیلان تاج گفت: مامانم میگویند لطفاً گوشواره‌هایتان را بدهید. یک امشب به گوش عروس میکنند و فردا صبح زود میفرستند در خانه‌تان... تقصیر خانم عزت‌الدوله است که یک کلاف ابریشم سبز آورده و به گردن عروس انداخته. میگوید سبز بخت میشود. اما دیگر هیچ چیز سبزی که بهش بخورد در سرتاپای خواهرم نیست. عین شاگرد مدرسه‌ها درس جواب میداد. زری ماتش برده بود. از کجا گوشواره زمرد او را دیده‌اند و برایش خط و نشان کشیده‌اند؟ در آن شلوغی کی به فکر این تناسبات برای عروس افتاده؟ لابد این دسته گل را همان عزت‌الدوله به آب داده. با آن چشمهای لوچش حساب دار و ندار همه اهل شهر را دارد. گفت و صدایش می‌لرزید: این رونمای شب عروسیم... یادگاری مادر آقااست ... به فکر آن شب افتاد که یوسف گوشواره‌ها را دست خودش به گوش او

کرده بود ... زری دست کرد و گوشواره‌ها را در آورد. گفت: خیلی احتیاط کنید. آویزه‌هایش نیفتد. هر چند میدانست اگر میشد پشت گوشش را ببیند روی گوشواره‌ها را هم خواهد دید. اما میتوانست ندهد؟» (دانشور، ۱۳۴۹:ص ۸).

زری در وضعیت اجتماعی زندگی میکند که هر عمل و حرکتش میتواند با تفسیر سیاسی یا اجتماعی همراه باشد و برای خانواده و همسرش یوسف، تبعات سنگینی بدنبال داشته باشد. در چنین شرایطی، درخواست برای دادن گوشواره‌هایی - که یادگار مادر یوسف و نشانه پیوند عاطفی زری و همسرش است - تنها یک خواسته ظاهراً ساده نیست، بلکه نوعی تحمیل قدرت و نادیده گرفتن حق آزادی اندیشه و بیان در این موقعیت یعنی آزادی در تصمیم‌گیری بر اساس میل شخصی، ارزشها و رضایت درونی فرد که در اینجا بطور صریح و آشکار نقض میشود. زری حق نه گفتن به درخواست دختر حاکم را ندارد. او میدانند که اگر مقاومت کند، نه تنها خود، بلکه یوسف و خانواده‌اش را در معرض خطر قرار میدهد.

در بخش دیگری از رمان نیز همین الگوی نقض حقوق شهروندی تکرار میشود. در این صحنه، دختر حاکم اسب خسرو، فرزند زری و یوسف، را مطالبه میکند و اطرافیان او میکوشند با پیشنهاد پرداخت پول یا امانت گرفتن چندروزه اسب، رضایت خانواده را جلب کنند؛ در حالی که این درخواست بیش از آنکه بر پایه رضایت و حق انتخاب مالک باشد، برخاسته از نفوذ و اقتدار خانواده حاکم است. در این مقطع از روایت، زری تنها به همراه عمه‌خانم در خانه حضور دارد و یوسف و خسرو غایب‌اند. با این حال، برخلاف برخی موقعیتهای پیشین، زری در برابر این خواسته ناعادلانه تسلیم نمیشود و با ایستادگی در برابر اعمال قدرت و زیاده‌خواهی خاندان حاکم، از حق مالکیت و اختیار خانواده خود دفاع میکند:

«خان کاکا چشمهایش را بهم زد و گفت: امروز صبح از خانه حاکم تلفن کردند. گفتند گیلان تاج خانم وصف کره اسب خسرو خان را شنیده - اسب را پسندیده، خریداریم، اسب را بفرستید، قیمتش هر چه باشد اطاعت میکنیم. خدا میداند از صبح تا حالا خون خونم را میخورد. حواسم پرت پرت است. زری چشمهایش پر از اشک شد. از میان اشکها نگاه کرد به عمه، با صورت گل انداخته، چشمهای تر، گیسهای بافته و سربند قرمز و دستش که میلرزید تریاک را به حقه بچسباند. تریاک از دستش رها شد و در آتش افتاد و دود تریاک بلند شد. گفت: خدا دیوانشان را بر باد بدهد. همچنین به سرم زده که میخوام این منقل آتش را بردارم و بریزم روی سرم. شما نگفتی جان این پسر هست و جان این اسب؟... زبان تو دهنتم نبود... زری گفت: یک قدم که برداشتی، باید قدمهای دیگر را هم برداری. تقصیر بی‌عرضگی خودم است. اما این بار جلوشان می‌ایستم. و ناگهان احساس کرد که انگار ستاره‌ای در روحش جرقه زد. ادامه داد: خودم میروم پیش حاکم. به او میگویم آخر هر چیزی حدی دارد. فقط دختر تو میتواند بهانه اسب بگیرد؟ هیچ چیز قشنگ به هیچکس در این شهر نمیتواند ببیند؟ مال خود، مال خودم، مال همه هم مال خودم!» (همان: صص ۵۸-۶۱).

در رمان سووشون، حق آزادی بیان در بسیاری از موقعیتهای محدودیت و نقض مواجه است. فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر روایت، مبتنی بر سلطه، استبداد و نابرابری قدرت است؛ بگونه‌ای که افراد در بیان آزادانه دیدگاه‌ها، اعتراضها و مخالفت‌های خود همواره با فشار، تهدید یا پیامدهای ناگوار روبه‌رو میشوند. از این رو، آزادی بیان در این اثر نه بعنوان حقی تضمین‌شده، بلکه بمثابة حقی محدود و آسیب‌پذیر بازنمایی میشود.

در رمان سووشون، حق آزادی بیان و اندیشه بیش از همه در شخصیت یوسف نمود می‌یابد. یوسف بعنوان شخصیتی آگاه، عدالت‌خواه و منتقد، در برابر مناسبات ناعادلانه در جامعه سکوت اختیار نمیکند و بی‌هراس دیدگاههای خود

را بیان میدارد. او با وجود هشدارها و مخالفت‌های اطرافیان، از جمله زری و خان کاکا، از مواضع انتقادی خویش در دفاع از حقوق مردم عقب‌نشینی نمی‌کند و مسئولیت اجتماعی را بر مصلحت‌اندیشی فردی ترجیح می‌دهد. پافشاری یوسف بر بیان حقیقت، حتی در شرایطی که این رویکرد امنیت و جان او را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد، بیانگر آن است که آزادی بیان از منظر او نه صرفاً یک حق فردی، بلکه مسئولیتی اخلاقی و اجتماعی در برابر حقیقت و عدالت است. از همین رو، در گفت‌وگو با زری نیز بر ضرورت رهایی از ترس و بیان بی‌پرده باورها و عقاید تأکید میکند و سکوت در برابر بی‌عدالتی را بمنزله پذیرش و تداوم آن میداند:

«زری اشک‌هایش را پاک کرد... درمانده پرسید: چکار کنم تا شما راضی بشوید؟ چکار کنم تا شجاع بشوم؟ یوسف به خنده گفت: میتوانم یادت بدهم. درس اول شجاعت برای تو فعلاً این است. همان وقت که می‌ترسی کاری را بکنی، اگر حق با توست، در عین ترس آن کار را بکن» (همان: ص ۱۳۱).

زری نیز بخوبی محدودیتهای حق آزادی اندیشه و بیان را در زندگی خود تجربه میکند. او بارها از اینکه ملاحظات ناشی از همسر، فرزندان و امنیت خانواده، آزادی اظهار نظر و اعتراض را از او سلب کرده است، احساس نارضایتی و سرخوردگی میکند. از منظر زری، وابستگی‌های خانوادگی به عاملی بازدارنده در بیان آزادانه اندیشه‌ها تبدیل شده که او را به سکوت و احتیاط وامیدارد. از این رو، با حسرت به دوران پیش از ازدواج می‌اندیشد؛ دورانی که فارغ از دغدغه حفظ امنیت و آسایش خانواده، میتوانست بدون هراس از پیامدهای احتمالی، عقاید و دیدگاه‌های خود را آشکارا بیان کند. این تأملات درونی، بخوبی نشان میدهد که در فضای اجتماعی حاکم بر رمان، حق آزادی بیان، بویژه برای زنان، بیش از آنکه حقی تضمین‌شده باشد، تحت تأثیر فشارهای اجتماعی، خانوادگی و غیره با محدودیتهای جدی مواجه است.

«همه‌اش در این فکر بود که آیا واقعاً ترسو بوده یا ترسو شده؟ آیا واقعاً یوسف مقصر است؟ حتی یک آن به این نتیجه رسید که زندگی زناشویی از اساس کار غلطی است. اینکه یک مرد تمام عمر پابند یک زن و بچه‌های قد و نیم قد باشد... یا به عکس زنی را تا به این حد وابسته و دلبسته یک مرد و چند تا بچه کنند که خودش نتواند یک نفس راحت و آزاد بکشد، درست نیست» (همان: ص ۱۳۱).

امنیت

حق امنیت بدین معناست که فرد از هر نوع تعارض و تجاوزی همچون قتل، ضرب، جرح، حبس، تبعید، توقیف و دیگر مجازات‌های خودسرانه و غیرقانونی یا اعمالی که منافعی شئون و حیثیت انسانی اوست مانند بهره‌کشی، تملک، اسارت، بردگی و فحشا و... در امان و مصون باشد (ر.ک قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱/ ص ۳۵). برخورداری از حق امنیت، اعم از امنیت جانی، مالی، اجتماعی و فردی، از بنیادیترین مؤلفه‌های حقوق شهروندی بشمار میرود؛ باین‌حال، این حق اساسی در رمان مورد بررسی بارها مورد نقض قرار گرفته است. در رمان سووشون، سیمین دانشور با ترسیم فضای ملتهب سیاسی و اجتماعی دوران اشغال ایران توسط متفقین، تصویری روشن از سلب امنیت مدنی و اجتماعی شهروندان ارائه میدهد. فضای حاکم بر رمان نشان میدهد که ناامنی، یکی از پیامدهای مستقیم سلطه سیاسی و آشفتگی اجتماعی آن دوره است و در ابعاد مختلف زندگی افراد نمود می‌یابد. افزون بر ناامنی سیاسی که در سراسر روایت حضوری پررنگ دارد، نویسنده به مسأله فقدان امنیت زنان نیز، بعنوان یکی از مصادیق مهم نقض حقوق شهروندی، توجه ویژه‌ای نشان داده است. در بخشی از داستان که از زبان عزت‌الدوله روایت میشود، به تجاوز پسر (یا همسر) او به «فردوس»، خدمتکار نوجوان خانه، اشاره شده است؛ رخدادی که بازتاب‌دهنده خشونت جنسیتی و نقض آشکار حق امنیت زنان در ساختار اجتماعی آن روزگار است:

«دردست ندهم خواهر، در عرض یک هفته، پدر یا پسر کار آن دختر بچه را ساختند. به فکر نمی‌رسید که از سر یک دختر بچه دهاتی هم نگذرند. آخرش نفهمیدم کار کدامشان بود؟ دختره را داغ کردم، بروز نداد... فردوس تو خانه ما بود که خودش را شناخت. قاعده که شد یکهو استخوان ترکانید. قپش گل انداخت. گودی چانه‌اش گودتر شد. چشمهایش یک برقی میزد که نگو. ترس برم داشته بود و در پی چاره بودم اما تا آمدم بجنبم، شکمش پیش آمد و معلوم هم نبود کار کار پسر است یا پدر؟» (دانشور، ۱۳۴۹: ص ۹۲).

نمونه‌ای دیگر از نقض حق امنیت در سووشون، در روایت عمه‌خانم از اوضاع محله جهودها بازنمایی شده است. وی فضایی را توصیف میکند که در آن ناامنی، بی‌قانونی و سوءاستفاده از قدرت بر زندگی شهروندان سایه افکنده است. در این بخش، تفنگچیهای وابسته به کلانتر که از حمایت و نفوذ او برخوردارند، با غارت اموال ساکنان محله، امنیت جانی و مالی آنان را بطور آشکار نقض میکنند. دانشور از رهگذر این روایت نشان میدهد که صاحبان قدرت یا نیروهای وابسته به آنان بجای حفظ امنیت عمومی، خود به عامل ایجاد رعب، خشونت و تعدی تبدیل شده‌اند: «چقدر برایشان حرف زد، چقدر تفنگچیهای کلانتر را نصیحت و دلالت کرد تا از غارت محله جهودها منصرفشان کند؛ اما آنها جیره‌خوار کلانتر بودند. از پشت شیشه تیر زده بودند به یک زن جهود که داشته بچه‌اش را شیر میداده. پستان در دهن بچه بوده و زن از حال می‌رود» (همان: ص ۷۵).

حق حیات

هر انسانی بصورت ذاتی از حق زندگی برخوردار است و این حق باید توسط قانون مورد محافظت قرار گیرد و هیچکسی را نمیتوان بشکل خودسرانه و دلخواه از حق حیات و زندگی محروم کرد. «یکی از ویژگیهای مهم حق حیات، ذاتی بودن این حق است بدین معنا که افراد پیش از به رسمیت شناختن قوانین موضوعه این حق از حق حیات برخوردارند و قانون نیز باید از آن دفاع کند و امنیت لازم را در این زمینه فراهم نماید» (موحدی ساوجی، ۱۳۹۸: صص ۸۶ - ۸۷). رمان سووشون بازتابی از ناامنی سیاسی و اجتماعی ایران در دوران اشغال متفقین است. دانشور با ترسیم خشونت، بی‌ثباتی و سرکوب، پیامدهای این شرایط را در زندگی مردم بگونه‌ای ملموس نشان میدهد. برجسته‌ترین نمود این امر، مرگ یوسف است. یوسف در سووشون صرفاً یک شخصیت داستانی نیست، بلکه نماد شهروندی آگاه و مسئولیت‌پذیر است که منافع عمومی را بر سود و امنیت شخصی ترجیح میدهد. او در برابر بیعدالتی، سلطه بیگانگان و سوءاستفاده صاحبان قدرت سکوت نمیکند و تلاش دارد تا از حقوق مردم دفاع کند. از این رو، کنشهای یوسف بیش از آنکه ماهیتی فردی داشته باشد، در راستای تحقق عدالت اجتماعی و حفظ کرامت انسانی است، دانشور در توصیف صحنه مرگ یوسف میگوید:

«دلال عرق پیشانی‌اش را با دستمال پاک کرد و گفت: آقا جانم، قربانت بروم، با اینها در نینداز، بد می‌بینی... حرفش که تمام شد، آقا به فکر فرو رفت، منقلب شده بود اما تغییر نکرد. فقط گفت: برو به زینگر بگو من به سهراب آذوقه میدهم نه اسلحه... راهم کشیده بودم که بروم. هنوز پایم را در آستانه در نگذاشته بودم که صدای تیر بلند شد. برگشتم، دیدم قلیان افتاد و آقا هم یله شد و خون راه افتاد. محمد مهدی والیاس دویدند تو... کمک کردند. اما دلال جم نخورد. سرش داد زد برو گمشو. از جلو چشمم دور شو... آقا را از روی تشکچه کنار آوردیم. تشکچه را برداشتم. یک چاله زیر تشکچه کنده بودند، به اندازه یک کف دست. آقا هنوز نیمه جانی داشت. دهان باز میکرد که حرف بزند نمیتوانست. سرم نزدیک بردم. گفت: کلو... کلو... ببر بسپار دست... دست کس و کارش... زر. زر،

بچه‌هایم» (دانشور، ۱۳۴۹: صص ۲۵۰ - ۲۵۱).

در بخش دیگری از رمان، عزت‌الدوله با روایت بی‌رحمیها و هوسرانیهای همسرش، به نمونه‌ای دیگر از نقض حق حیات اشاره میکند. همسر عزت‌الدوله، بدلیل دل‌باختگی به همسر مسعود، با مخالفان وی همدست میشود و زمینه قتل او را فراهم میسازد. این رخداد نشان میدهد که در فضای آشفته و قدرت‌زده رمان، جان انسانها به آسانی قربانی منافع و امیال شخصی میشود:

«ماه اول عروسیمان بود که عاشق نیم‌تاج، زن مسعود خان دندان طلا شد. یاور مسعود از طرف دولت مأمور نظمیه شده بود... حاج عمو و برادرهایم نمیخواستند شهر بدست مسعود خان داروغه بیفتد. از همان روز اول ورودش برایش کارشکنی کردند و آخرش آن بلوا را راه انداختند. من دیدم شوهر نامردم ناگهان عوض شد. برایم خبر آورده بودند که عاشق نیم‌تاج شده. خدا نیامرزدت مرد» (همان: ص ۹۰).

کرامت انسانی

حق کرامت انسانی از بنیادیترین مؤلفه‌های حقوق شهروندی است و بر این اصل استوار است که همه انسانها، فارغ از جنسیت، نژاد، قومیت، مذهب یا جایگاه اجتماعی، از شرافت، حیثیت و ارزش ذاتی برخوردارند. بر این اساس، هر شهروند حق دارد با احترام و منزلت انسانی مورد برخورد قرار گیرد و از هرگونه تحقیر، تبعیض و رفتارهای مغایر با شأن انسانی مصون باشد. در اندیشه دینی نیز کرامت انسان جایگاهی بنیادین دارد؛ انسان بعنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر زمین، دارای منزلت و کرامت ذاتی است. از این‌رو، در آموزه‌های اسلامی نیز بر کرامت و حیثیت طبیعی همه انسانها تأکید شده و رعایت آن، یکی از اصول اساسی روابط اجتماعی و حقوق شهروندی بشمار میرود (ر.ک حبیب‌زاده و فرج پور اصل مرنودی، ۱۳۹۵: ۱۱۷ - ۱۱۹).

در یکی از این نمونه‌ها در رمان سووشون، زمانی که زری از پستی حمید، خواستگار سابقش روایت میکند و اینکه عزت‌الدوله مادر او برای دیدن بدن لخت او، خودش را به حمام نمره آن‌ها تحمیل میکند. آشکارا از نادیده گرفتن حق کرامت انسانی سخن بمیان می‌آورد:

«مادرت با چه پررویی روز حمام ما به حمام شاپوری آمد و خودش را به نمره ما تحمیل کرد تا بدن لخت مرا با چشمهای لوچش بد و خوب بکند. اقبالم بلند بود که یوسف همان وقت از من خواستگاری کرده بود و گرنه احتمال داشت مادر و برادرم گول زندگی گل و گشادت را بخورند» (دانشور، ۱۳۴۹: ص ۹).

در جریان مراسم عروسی دختر حاکم نیز، زنان ایرانی با افسران بیگانه به رقص و معاشرت می‌پردازند، اما همسران آنان بدلیل ملاحظات سیاسی و هراس از قدرت اشغالگران، توان اعتراض ندارند. این وضعیت، کرامت و شأن مردان را خدشه‌دار میکند و نشان میدهد که سلطه بیگانگان، میتواند حتی روابط خانوادگی و حیثیت فردی شهروندان را نیز تحت تأثیر قرار دهد:

«افسرهای خارجی رفتند سراغ خانمها. زنهای شهر با لباسهای رنگارنگشان در بغل افسرهای غریبه میرقصیدند و مردهایشان روی مبلها نشسته بودند و آنها را می‌پاییدند. گفתי بر سرآتش نشسته‌اند. شاید همه خوشحال بودند. شاید خون خونشان را می‌خورد. آدم که توی دل مردم نیست. هر رقصی که تمام میشد افسرها، خانمها را بجای اولشان می‌رساندند. انگار خودشان تنها نمیتوانستند برگردند. بعضی افسرها پاها را جفت میکردند و دست زنهای را می‌بوسیدند و اینگونه که میکردند مردهای آن زنهای مثل فخر از جا می‌جستند و دوباره مینشستند. انگار که کوکشان کرده بودند» (همان: ص ۱۱).

در جای دیگر دانشور از زبان یوسف از محله‌ای سخن میگوید که ساکنان آن زنانی هستند که برای تأمین معاش، ناچار به تن‌فروشی شده‌اند:

«یوسف گفت: همان محله‌ای است که ساکنانش بیشتر زنهای فلک‌زده‌ای هستند که با سرخاب و سفیدایی که به صورتشان میمالند معاش میکنند و شما سربازهای هندی را میفرستید سراغشان» (همان: ص ۱۸).

دانشور نشان میدهد که این زنان نه از سر انتخاب آزاد، بلکه بر اثر اجبار معیشتی، شأن و حرمت انسانی خود را در زیرپا گذاشته‌اند و یا در ماجرای تجاوز به فردوس -خدمتکار عزت‌الدوله :

« پدر یا پسر کار آن دختر بچه را ساختند. به فکرم نمی‌رسید که از سر یک دختر بچه دهاتی هم نگذرند. آخرش نفهمیدم کار کدامشان بود؟... شکمش پیش آمد و معلوم هم نبود کار، کار پسر است یا پدر؟» (همان: ص ۹۲).

این فقدان احترام و ارزش‌گذاری برای زن، نه تنها یک تجاوز فیزیکی، بلکه متلاشی شدن کامل کرامت انسانی را منعکس مینماید. نکته تلخ ماجرا آنجاست که عزت‌الدوله بعنوان یک زن، ظلم رفته بر فردوس را نادیده میگیرد و برای به خطر نیفتادن آبروی خانواده بویژه پسرش سعی میکند صدای اعتراض فردوس را بنوعی خفه کند و در نهایت، بچه درون شکم فردوس را (با کتک زدن) میکشد و او را مجبور به ازدواج با کل عباس یکی دیگر از خدمتکاران خود میکند.

برخورداری از زندگی شایسته و به دور از خشونت و فقر

یکی دیگر از حقوق شهروندی، حق زندگی شایسته است که به موجب آن شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همانند آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، درمان مناسب، بهداشت و... برخوردارند (رک کسائیان، ۱۳۹۸: ص ۱۲). دانشور در سووشون به نبود حق برخورداری از زندگی شایسته نیز توجه دارد. یوسف در بخشهایی از رمان با اشاره به فقر و محرومیت مردم، بر ضرورت حمایت از مردم و مقابله با سلطه بیگانگان تأکید میکند. این دیدگاه نشان میدهد که فقر و نابرابری، امکان برخورداری شهروندان از زندگی شایسته و باکرامت را سلب کرده است. از سویی «حاکم و خانواده حاکم، خود را صاحب اختیار داراییهای مردم شهر میدانند و به خود اجازه میدهند که اموال مردم را تصرف کنند. نویسنده محیطی میسازد تا رذالت آنها چشمگیر شود و خواننده قانع گردد» (روزبهرانی و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۲۴۸).

«یوسف به تلخی گفت: اما همشهریهای مرا میشود گرسنه نگه داشت» (دانشور، ۱۳۴۹: ص ۱۶).

در بخش دیگری از رمان، دانشور در جریان بیماری «کلو» — پسر چوپان یوسف که پس از مرگ پدرش به سرپرستی او درآمده است — از زبان زری به نابرابریهای اجتماعی و محرومیت اقشار فرودست از خدمات درمانی اشاره میکند:

«عمه خانم زری را واداشت تلفن کند به خانم حکیم و خانم حکیم گفت که متأسفانه تختهای مریضخانه مرسلین، مختص افسرها و سربازهای خارجی میباشد و همه تختها پر میباشد و حتی در راهروها جا نمیباشد... گفت معلوم است مریضخانه را برای روزهای مبادای خودشان ساخته بودند... بیمارستان که سهل است، تا عصر هر چه کوشش کردند، نتوانستند دکتري به بالين کلو بياورند و کلو ديگر بيهوش شده بود و هذيان ميگفت...» (همان: صص ۱۴۷ - ۱۴۸).

حق مشارکت اجتماعی زنان در جامعه

حق مشارکت اجتماعی زنان، یکی از مهمترین مؤلفه‌های حقوق شهروندی، بمعنای برخورداری برابر آنان از فرصتها و حقوق لازم برای حضور مؤثر در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. تحقق این حق، مستلزم رفع تبعیض و فراهم‌سازی زمینه مشارکت زنان در تصمیم‌گیریهای فردی و اجتماعی است. در سووشون، زری با وجود تحصیلات و آگاهی، در آغاز رمان بدلیل محدودیتهای فرهنگی و اجتماعی، از بیان آزادانه دیدگاههای خود

پرهیز میکند؛ اما با پیشرفت روایت، بتدریج به خودآگاهی و جسارت بیشتری دست می‌یابد و حضوری فعال‌تر در مسائل اجتماعی پیدا میکند. او سرانجام با ایستادگی در برابر عزت‌الدوله، که از نفوذ و قدرت اجتماعی برخوردار است، آشکارا مخالفت میکند؛ رخدادی که بیانگر رشد شخصیت زری در جهت مثبت و کنشگری است:

«صدای عزت‌الدوله رشته فکرش را برید: زری جان، چقدر سبک و سنگین میکنی، اینکه کار مهمی نیست. زری پاکتها و جعبه مرکب را گذاشت جلو عزت‌الدوله و گفت: نه، نمیکنم. عذر می‌خواهم. عزت‌الدوله حیرت زده پرسید: «نمیکنی؟ چرا؟» {زری} جوابی نداد» (دانشور، ۱۳۴۹: ص ۷۲).

نمونه دیگر این مسأله در مراسم خاکسپاری یوسف آشکار میشود. زری در این موقعیت، اندیشه و باور خود را بصراحت بیان میکند و در کنار دوستان یوسف، در تصمیم‌گیری درباره چگونگی برگزاری مراسم خاکسپاری نقشی فعال و برابر بر عهده می‌گیرد. این رفتار، نشان‌دهنده رشد آگاهی، استقلال فکری و مشارکت اجتماعی او در پایان رمان است:

«مجید رو به زری کرد و گفت: خانم، خودتان میدانید که ما با یوسف هم قسم شده بودیم. حالا او را کشته‌اند، می‌خواهند همینطور دستان را بگذاریم روی دستان و حتی جنازه‌اش را تشییع نکنیم. شما هم اعتراض به این سادگی را... زری نگذاشت حرفش را تمام کند. گفت شوهرم را به تیر ناحق کشته‌اند. حداقل کاری که میشود کرد عزاداری است. عزاداری که قدغن نیست. در زندگی هی ترسیدیم و سعی کردیم او را هم بترسانیم. حالا در مرگش دیگر از چه می‌ترسیم؟ آب از سر من یکی که گذشته... صدایش می‌لرزید» (همان: صص ۲۹۰ - ۲۹۱).

عمه خانم هم نمونه‌ای دیگر از شخصیت‌های داستان است که با وجود محافظه‌کاری اولیه، در سیر روایی حوادث، از توانایی بیشتری برای احقاق حق خود برخوردار میشود. اوج این قدرت در وقایع مربوط به کشته شدن یوسف نمود پیدا میکند. در این برهه حساس، عمه خانم با خشم و قاطعیت، خان کاکا را به پیگیری قانونی و گرفتن وکیل برای خون یوسف تشویق میکند و در برابر نادیده گرفتن خون برادرش سکوت نمیکند. اصرار او جهت برگزاری عزاداری برای یوسف، همگی نشان‌دهنده نقش فعال‌تر و قاطعیت بیشتر او در دفاع از حقوق و بیان دیدگاهش، حتی در شرایط بحرانی است (ر.ک همان: ص ۲۶۴).

عزت‌الدوله نیز بعنوان زنی که در ابتدا مطیع شوهرش بود و در مقابل خیانتها و دزدی اموالش توسط او سکوت میکرد، پس از مرگ همسر به زنی پر نفوذ تبدیل میشود و زمام امور خانه را بدست می‌گیرد و در امور مختلف از نشست و برخاست با افراد بانفوذ و سیاسی و رتق و فتق امور بتنهایی مشارکت دارد (ر.ک همان: ص ۱۸۷).

حق تجمعات مسالمت‌آمیز

در سووشون، پس از کشته شدن یوسف، خانواده و دوستان وی، بویژه زری و عمه‌خانم، تصمیم می‌گیرند پیش از خاکسپاری مراسم عزاداری و سینه‌زنی برگزار کنند؛ اما مأموران حکومت از برگزاری این تجمع جلوگیری میکنند و در پی آن، درگیری و آشوب رخ میدهد. در نهایت، زری ناچار میشود یوسف را بصورت شبانه بخاک بسپارد. این رخداد، نمونه‌ای آشکار از نقض حق آزادی تجمع و برگزاری آیینهای اجتماعی در سایه محدودیتهای حکومتی است:

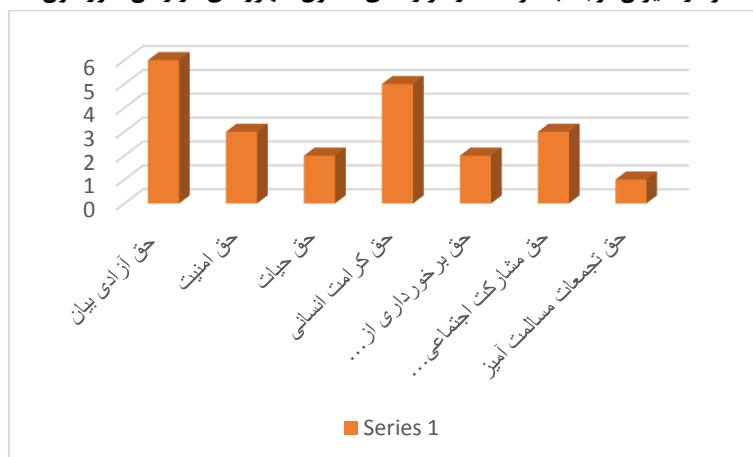
«حسین آقا که شانه زیر تابوت داشت به سید محمد اشاره کرد و او را جانشین خود کرد و آمد جلو سرپاسبان و گفت: سرکار، یک جوان را به تیر غیب کشته‌اند. در مرگش عزاداری میکنیم. همین. سر پاسبان به صدای بلند گفت: با زبان خوش به آقایان می‌گویم متفرق بشوید. بروید. دکانهایان را باز کنید... گفتم گورتان را گم کنید...»

پاسبانها و سربازها به جمعیت هجوم آوردند. با باتون و ته تفنگ، از چپ و راست میزدند « (همان: صص ۲۹۷-۲۹۹).

نتایج پژوهش

بررسی رمان سووشون از منظر حقوق شهروندی نشان می‌دهد که سیمین دانشور تصویری انتقادی از وضعیت حقوق شهروندی در رمان مذکور ارائه کرده است. مهمترین مؤلفه‌های حقوق شهروندی در این اثر شامل کرامت انسانی، حق حیات، امنیت، آزادی بیان و اندیشه، دادخواهی، برابری، مشارکت اجتماعی، آموزش، اشتغال و حق برخورداری از زندگی شایسته است که بسیاری از آنها در بستر نابرابریهای اجتماعی بطور مکرر نقض میشوند. از میان شخصیت‌های داستانی، یوسف مهمترین نماینده اندیشه حقوق شهروندی در سووشون است. او با احساس مسئولیت اجتماعی، دفاع از حقوق محرومان، مخالفت با سلطه بیگانگان، اعتراض به فساد و بیعدالتی و تلاش برای حفظ استقلال و عزت مردم، تصویری از شهروندی آگاه، مطالبه‌گر و مسئولیت‌پذیر ارائه می‌دهد. کنشهای یوسف نشان می‌دهد که حقوق شهروندی در نگاه دانشور صرفاً مجموعه‌ای از حقوق فردی نیست، بلکه با تعهد اجتماعی، عدالتخواهی و دفاع از منافع عمومی پیوندی ناگسستنی دارد. هرچند یوسف در مسیر این مطالبه‌گری جان خود را از دست می‌دهد، اما مرگ او بمعنای شکست این اندیشه نیست؛ نیز دانشور با انتخاب زری بعنوان راوی و شخصیت محوری، فرایند شکلگیری آگاهی شهروندی را بتصویر میکشد. در خط سیر داستان، زری از زنی محتاط و منفعل به شخصیتی آگاه، مطالبه‌گر تبدیل میشود که در برابر بیعدالتی، تبعیض و مشکلات اجتماعی سکوت نمی‌کند. در کنار او، شخصیت‌هایی چون عمه‌خانم و عزت‌الدوله نیز، هرچند با رویکردهایی متفاوت، نمودهایی از افزایش نقش و حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری را بنمایش میگذارند. مرگ یوسف، جلوگیری از برگزاری مراسم عزاداری، غصب اموال، محرومیت اقشار فرودست از خدمات درمانی و گسترش فقر، همگی نشانه‌هایی از تضعیف حاکمیت قانون و نادیده گرفتن حقوق بنیادین شهروندان در ساختار روایی این داستان است. در مجموع، سووشون روایتی انتقادی از مناسبات قدرت و بازتابی از چالشهای حقوق شهروندی است. دانشور با نقد ساختارهای مردسالار، استبدادی و استعمارزده، بر ضرورت حفظ کرامت انسانی، تحقق عدالت اجتماعی و مشارکت آگاهانه شهروندان تأکید میکند و نشان می‌دهد که دستیابی به جامعه‌ای عادلانه، در گرو احترام به حقوق بنیادین همه شهروندان است.

نمودار میزان توجه به مؤلفه‌ها و گزاره‌های حقوق شهروندی در رمان سووشون



مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات استخراج شده است. سرکار خانم دکتر فتانه سمسار خیابانیان راهنمایی پایان‌نامه را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده‌اند و دانشجو نازلی صدرواحدی پژوهشگر دیگر این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته است. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر می‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و همچنین، مدیر مسئول و سردبیر محترم و کارکنان ارجمند نشریه پربار سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

Persian References

- Akbari, Hamidreza. (2016). *Negāhī be Hoqūq-e Shahrivandī* [A Look at Citizenship Rights]. Qom: Tebyan. p. 84.
- Habibzadeh, Tavakkol, & Farajpour Asl Marandi, Ali Asghar. (2016). "Human Dignity and the Foundation of Human and Citizenship Rights in the Constitution of the Islamic Republic of Iran." *Journal of Public Law Studies*, 46(1), 115–137.
- Hosseini Kazerouni, Seyed Ahmad, & Fathi, Mehdi. (2015). "A Study of Citizenship Rights in Persian Literature." In *Proceedings of the Tenth International Conference on the Promotion of Persian Language and Literature*. University of Mohaghegh Ardabili, p. 798.
- Simin Daneshvar. (1970). *Savushun*. Tehran: Kharazmi Publications.
- Darvishvand, Abolfazl, et al. (2021). "Guarantees of the Right to Litigation in the Legal System of the Islamic Republic of Iran Based on the Opinions of the Guardian Council." *Journal of Public Law*, 10(34), 29–55.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1994). *Loghatnameh* [Dictionary]. Tehran: University of Tehran Press.
- Doosti, Zahra, et al. (2023). "A Study of Psychological Defense Mechanisms in the Works of Simin Daneshvar with Emphasis on the Novels *Savushun*, *Jazireh-ye Sargardani*, and *Sarban-e Sargardan*." *Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar-e Adab)*, 16(10), 129–145.

- Rezaeipour, Arezoo. (2006). *Hoqūq-e Shahrvandī [Citizenship Rights]*. Tehran: Aryan Publications. p. 19.
- Rouzbahani, Tahereh, et al. (2022). "A Study of Characterization and the Components of the Mother-Goddess Archetype in Female Protagonists with Reference to Savushun and Jā-ye Khāli-ye Soluch." *Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar-e Adab)*, 15, 239–256.
- Semsar Khiabaniyan, Fataneh, & Sadr Vahidi, Nazli. (2025). "Analysis of Citizenship Rights Components in the Novel Bāzī-ye Ākhar Bānū by Balqis Soleimani." In *Proceedings of the Seventeenth International Conference on Humanities, Social Sciences and Lifestyle*, 27–47.
- Faulks, Keith. (2002). *Citizenship*. Persian translation by Mohammad Taghi Delfrouz. Tehran: Kavir Publications. pp. 25–29.
- Fallahpour, Mehdi. (2023). *A Study of Citizenship Rights from the Perspective of Private Law in Iran* (Master's thesis). Islamic Azad University, Behshahr Branch. Supervisor: Mojtaba Esfandiari. p. 52.
- Ghorbanzadeh, Mohammad, & Shakeri, Hamid. (2015). "Security and Citizenship Rights in the Constitution." In *Proceedings of the First International Congress on Iranian Law*, 11–13.
- Ghorbannia, Nasser. (2008). *Bashar va Hoqūq-e Bashardoostaneh [Humanity and Humanitarian Rights]* (Vol. 1). Tehran: Institute for Islamic Culture and Thought. p. 35.
- Kazempour, Loghman. (2017). "The Evolution of the Concept of Citizenship in Antiquity." *Historical, Social and Political Research Monthly*, (1), 117–130.
- Kamyar, Gholamreza. (2003). *Hoqūq-e Shahrvandī [Citizenship Rights]*. Tehran: Majd Publications. pp. 17–18.
- Kasaeian, Sajedah Sadat. (2019). *An Analysis of Citizenship Rights Components in Selected Works of Mohammad Ali Eslami Nodoushan* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University. Supervisor: Hourieh Sheikh Mounesi. p. 12.
- Movahedi Savoji, Mohammad Hassan. (2019). "A Comparative Study of the Right to Life in the Holy Qur'an and Human Rights Instruments." *Partow-e Vahy*, 6(1), 83–100.
- Nabilou, Alireza, & Hooshangi Shayan, Fatemeh. (2025). "Stylistic Linguistic Elements in Savushun by Simin Daneshvar." *Journal of Literary Language Studies*, 2(8), 47–86.

فهرست منابع فارسی

اکبری. حمیدرضا (۱۳۹۵). نگاهی به حقوق شهروندی. قم: تبیان، ص ۸۴.

حبیب‌زاده. توکل و فرج‌پور اصل مرندي. علي اصغر (۱۳۹۵). «كرامت انساني و ايتناي حقوق بشري و شهروندی مندرج در قانون اساسي جمهوری اسلامی ایران برآن». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران. دوره ۴۶. شماره ۱. صص ۱۱۵-۱۳۷.

حسینی کازرونی. سیداحمد و فتحي. مهدي (۱۳۹۴). «نگاهی به حقوق شهروندی در ادبیات فارسی». مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی. دانشگاه محقق اردبیلی، ص ۷۹۸. دانشور. سیمین (۱۳۴۹). سووشون. تهران: خوارزمی.

درویشوند. ابوالفضل و دیگران (۱۴۰۰). «تضمینات حق دادخواهی در نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظرهای شوران نگهبان». فصلنامه دانش حقوق عمومی. دوره دهم. شماره ۳۴. صص ۵۵-۲۹. دهخدا. علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دوستی. زهرا و دیگران (۱۴۰۲). «بررسی مکانیسم‌های دفاعی روانی در آثار سیمین دانشور با تکیه بر رمانهای سووشون و جزیره سرگردانی، ساریان سرگردان». نشریه علمی سبکشناسی نظو نثر فارسی (بهار ادب). سال شانزدهم. شماره دهم. پی در پی ۹۲. صص ۱۴۵-۱۲۹.

رضایی‌پور. آرزو (۱۳۸۵). حقوق شهروندی. تهران: نشر آریان، ص ۱۹. روزبهنانی. طاهره و دیگران (۱۴۰۱). «سیری در شخصیت‌پردازی و مؤلفه‌های مادری اسطوره در قهرمان زن با تکیه بر داستانهای سووشون و جای خالی سلوچ». نشریه علمی سبکشناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). دوره ۱۵. پیاپی ۷۸. صص ۲۵۶-۲۳۹.

سمسارخیابانیان. فتانه و صدرواحدی. نازلی (۱۴۰۴). «تحلیل و واکاوی مؤلفه‌های حقوق شهروندی در رمان بازی آخربانو اثر بلقیس سلیمانی». هفدهمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی. صص ۲۷-۴۷. فالکس. کیث (۱۳۸۱). حقوق شهروندی. ترجمه: محمد تقی دلفروز. تهران: نشر کویر، صص ۲۵-۲۷-۲۹.

فلاح‌پور. مهدي (۱۴۰۲). بررسی حقوق شهروندی از دیدگاه حقوق خصوص در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر به راهنمایی مجتبی اسفندیاری. ص ۵۲.

قربان زاده. محمد و شاکری. حمید (۱۳۹۴). «امنیت و حقوق شهروندی در قانون اساسی». نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران، صص ۱۱-۱۳.

قربان‌نیا. ناصر (۱۳۸۷). بشر و حقوق بشر دوستانه. ج ۱. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۳۵. کاظم‌پور. لقمان (۱۳۹۶). «سیر تحول مفهوم شهروندی در دوران باستان». ماهنامه پژوهشهای تاریخی، اجتماعی و سیاسی. شماره اول. صص ۱۱۷-۱۳۰.

کامیار. غلامرضا (۱۳۸۲). حقوق شهروندی. تهران: انتشارات مجد، صص ۱۸-۱۷. کسائیپان. ساجده سادات (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های حقوق شهروندی در گزیده آثار محمد علی اسلامی ندوشن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه علامه طباطبائی. به راهنمایی حوریه شیخ مونس. ص ۱۲.

موحدی ساوجی. محمدحسن (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی حق حیات از دیدگاه قرآن کریم و اسناد حقوق بشر». دو فصلنامه پرتو وحی. دوره ۶. شماره ۱. پیاپی ۱۰. صص ۸۳-۱۰۰.

نبی‌لو. علیرضا و هوشنگی شایان. فاطمه (۱۴۰۴). عناصر زبانی سبک‌ساز در سووشون سیمین دانشور. پژوهشنامه زبان ادبی. دوره ۲. شماره ۸. صص ۴۷-۸۶.

منابع لاتین

Marshall, T.H. (1992), *Citizenship and social class*, London: Pluto Press. p8.
_____. (2015). *H social policy in the twentieth century* London. P45

معرفی نویسندگان

فتانه سمسار خیابانیان: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: fa_khiabanian@iaau.ac.ir (نویسنده مسئول))

(ORCID: 0000-0002-2259-0641)

نازلی صدرواحدی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: 0063952548@iaau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0001-8994-4651)

COPYRIGHTS

© 2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Fataneh Semsar Khiabanian: Department of Persian Language and Literature, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

(Email: fa_khiabanian@iaau.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-2259-0641)

Nazli Sadravahedi: Department of Persian Language and Literature, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: 0063952548@iaau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0001-8994-4651)